

جنگ رمضان و مسائل حقوق بین‌الملل کیفری

هیبت‌الله نژندی‌منش *

در این ارائه، جنگ رمضان را از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و با توجه به الگوهایی بررسی می‌کنم که پیش‌تر در عملیات ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در غزه و لبنان مشاهده شده و اکنون در ایران نیز تکرار شده‌اند. چند مصداق را به‌طور مشخص در نظر دارم: حمله منتهی به شهادت رهبر جمهوری اسلامی ایران، حمله به مدرسه شجره طیبه میناب، محاصره دریایی، گفتار رئیس‌جمهور آمریکا درباره مردم و تمدن ایران، رفتار امارات متحده عربی با اتباع ایرانی و تعطیلی بیمارستان وابسته به جمعیت هلال احمر ایران در دبی و در نهایت، سازکارهای پاسخگویی و امکان پذیرش موردی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری.

مقدمه: الگوی رفتاری به‌مثابه ابزار اثبات کیفری

بحث را از یک تمایز کلیدی آغاز می‌کنم: مسئله صرفاً نقض موردی قواعد نیست، بلکه با الگویی تکرارشونده و قابل شناسایی مواجهیم که در سطح عملیاتی و راهبردی، کارکرد قواعد حمایتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه را به‌صورت نظام‌مند تضعیف می‌کند. پرسش محوری این نیست که آیا در هر حمله مشخص، قاعده‌ای نقض شده است یا خیر؛ پرسش این است که آیا می‌توان این الگوی تکراری را به رفتار مجرمانه قابل انتساب به اشخاص حقیقی در چارچوب حقوق بین‌الملل کیفری ترجمه کرد؟

الگو در این سخنرانی به معنای زنجیره‌ای از تصمیم‌ها و اعمال همسو در بستر دکترین نظامی و قواعد درگیری است: تکرارپذیری در زمان و جغرافیا؛ شباهت منطق هدف‌گیری درباره اهداف غیرنظامی یا دوگانه؛ اتکا به چارچوب‌های اطلاعاتی مشابه؛ و پیش‌بینی‌پذیری تلفات غیرنظامی گسترده. چنین زنجیره‌ای، حمله را از حادثه منفرد جدا می‌کند. عناصر مادی از تکرار اعمال، عناصر روانی از علم به نتایج و پذیرش ریسک، و انتساب از نقش اشخاص در طراحی، صدور دستور، تأیید هدف یا خودداری آگاهانه از اصلاح روش‌ها استنتاج می‌شوند.

این نگاه به‌ویژه در جنگ‌های فناوری محور اهمیت دارد. برخورداری از ماهواره، سامانه‌های مراقبت و توان به‌روزرسانی فهرست اهداف، تعهد راستی‌آزمایی را کاهش نمی‌دهد، بلکه ادعای ناآگاهی را ضعیف‌تر می‌کند. وقتی داده قدیمی با وجود امکان آسان اصلاح در زنجیره هدف‌گیری باقی می‌ماند، ممکن است خطا محصول سازمان‌یافته بی‌مبالاتی فاحش یا بی‌پروایی آگاهانه باشد. تحلیل کیفری باید علاوه بر عامل شلیک، تصویب‌کنندگان بانک اهداف، فرماندهان عملیات و مقاماتی را بررسی کند که پس از آگاهی از پیامدها بر ادامه روش اصرار کرده‌اند.

می‌توان کارکرد اثباتی الگو را در چهار سطح دید. نخست، شباهت حملات و پیامدها به اثبات وجود یک «سیر رفتار» کمک می‌کند. دوم، اطلاع‌رسانی‌های پس از هر حمله و تکرار روش پس از آن، ادعای ناآگاهی را تضعیف می‌نماید. سوم، هماهنگی هدف‌گیری، مهمات و روایت‌های توجیهی می‌تواند سطح تصمیم‌گیری مشترک را آشکار سازد. چهارم، نبود تحقیق مؤثر یا اصلاح قواعد درگیری پس از تلفات سنگین، درباره پذیرش نتایج و مسئولیت فرماندهی ارزش قرینه‌ای دارد. به همین دلیل، واحد تحلیل صرفاً «موشک آخر» نیست؛ چرخه کامل تولید هدف، تصویب، حمله، ارزیابی خسارت و تصمیم به تکرار است.

۱. جنایت تجاوز و مسئولیت در رأس قدرت

بحث را از بنیادی‌ترین عنوان کیفری، یعنی جنایت تجاوز، آغاز کنیم.

ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای عمل تجاوزکارانه را توسط شخصی که عملاً رفتار سیاسی یا نظامی دولت را کنترل یا هدایت می‌کند جرم می‌داند، مشروط به آنکه عمل از حیث ویژگی، شدت و مقیاس، نقض آشکار منشور باشد.^۱ حمله نظامی گسترده به قلمرو ایران، بمباران، محاصره دریایی و استفاده از قلمرو دولت ثالث، مصادیق شناخته‌شده قطعنامه ۳۳۱۴ هستند. دفاع پیشگیرانه یا پیش‌دستانه، در فقدان حمله مسلحانه واقع شده یا قریب‌الوقوع با معیار مضیق نمی‌تواند علم تصمیم‌گیرندگان به غیرقانونی بودن توسل به زور را بیوشاند.^۲

عنصر مادی به لحظه نخست اصابت محدود نیست. تصمیم سیاسی، طراحی عملیات، تدارک پایگاه و اطلاعات، آغاز حمله و اجرای مستمر آن، اجزای یک فرایندند. بنابراین بررسی کیفری باید از ۹ اسفند ۱۴۰۴ به عقب بازگردد و صورت‌جلسات، طرح عملیاتی، مجوزهای هدف‌گیری و تصمیم‌های تمدید عملیات را مطالعه کند. استمرار حملات برای هفته‌ها می‌تواند نشان دهد با اجرای پیوسته

1. *Rome Statute*, art 8 bis (1) United Nations General Assembly, Resolution 3314 (XXIX), "Definition of: Aggression", December 14, 1974, annex, arts 1 and 3.

2. Carrie McDougall, *The Crime of Aggression under the Rome Statute of the International Criminal Court*, (2nd ed.) Cambridge: Cambridge University Press, 249-310, 2021.

یک تصمیم رهبری، نه وقایع گسسته، مواجهیم.

قید «نقض آشکار» با سه شاخص ویژگی، شدت و مقیاس سنجیده می‌شود. این شاخص‌ها جمعی‌اند و نباید جداگانه بهانه کاهش وصف کیفری شوند. عملیاتی که با حملات گسترده در چند استان، حذف ساختار رهبری، محاصره و استفاده از پایگاه‌های منطقه‌ای همراه است، از اختلاف مرزی یا برخورد محدود فاصله دارد. دادگاه باید بررسی کند آیا استدلال دفاعی واقعاً هنگام تصمیم وجود داشته یا پس از حمله برای پوشاندن علم به نقض منشور ساخته شده است.

دراختیار گذاشتن قلمرو، پایگاه، اطلاعات و پشتیبانی تدارکاتی برای حمله به ایران، در سطح دولت می‌تواند مسئولیت بین‌المللی ایجاد کند؛ اما بحث بر امکان مسئولیت اشخاص تمرکز دارد. برای این انتقال باید نقش کمک در تحقق عملیات، علم مقام ارائه‌کننده به ماهیت تجاوز کارانه و جایگاه کمک در طرح قابل‌شناسایی جنگ اثبات شود. افزون بر این، محدودیت رهبری در بند ۳ مکرر ماده ۲۵ اساسنامه رم^۳ اجازه نمی‌دهد هر کارمند یا مجری به جنایت تجاوز متهم شود؛ مسئولیت متوجه مقاماتی است که در سطح کنترل یا هدایت مؤثر قرار داشته و کمک تعیین‌کننده را آگاهانه تصویب کرده‌اند.^۴

این محدودیت نباید به مصونیت تصمیم‌سازان دولت ثالث تبدیل شود. اگر مقام عالی‌رتبه، با علم به طرح جنگ، استفاده از پایگاه یا فضای کشور خود را تصویب و تداوم عملیات را ممکن کند، باید نقش او در برنامه مشترک و شیوه مشارکت بررسی شود. اختلاف‌های موجود درباره دامنۀ صلاحیت دیوان نسبت به تجاوز، مانع توصیف ماهوی جرم یا پیگیری سازکارهای ملی و ویژه نیست.^۵

۲. جنایات جنگی و تبدیل قواعد عملیات به معیار کیفری

در محور دوم، از مشروعیت توسل به زور عبور می‌کنم و به شیوه اجرای مخاصمه و مسئولیت کیفری ناشی از آن می‌پردازم.

اصل تفکیک، حمله را فقط به هدف نظامی محدود می‌کند؛ هدفی که به سبب ماهیت، مکان، هدف یا کاربرد، مشارکت مؤثر در عملیات نظامی دارد و انهدام آن مزیت نظامی معین ایجاد می‌کند. خانه، مدرسه و عبادتگاه در صورت تردید، غیرنظامی فرض می‌شوند. طرف حمله باید هدف را راستی‌آزمایی کند، وسایل و زمان کم‌خطرتر را برگزیند، حمله نامتناسب را لغو یا تعلیق کند و از

3. *In respect of the crime of aggression, the provisions of this article shall apply only to persons in a position effectively to exercise control over or to direct the political or military action of a State*

4. Nikola R. Hajdin, "Responsibility of Private Individuals for Complicity in a War of Aggression", *American Journal of International Law* 116, no. 4 (2022): 788-797, <https://doi.org/10.1017/ajil.2022/50>; *Rome Statute*, art. 25(3 bis).

5. Jennifer Trahan, "The Rome Statute's Jurisdiction over the Crime of Aggression: The Need for Change", *Cardozo International & Comparative Law Review* 8, no. 3 (2025), <https://larc.cardozo.yu.edu/ciclr/vol8/iss/3/3>

حمله بی‌تفکیک بپرهیزد.^۶ در سطح کیفری، حمله عمدی به غیرنظامیان یا اشیاء غیرنظامی و حمله‌ای که مرتکب می‌داند خسارت جانبی آن آشکارا بیش از مزیت نظامی است، در ماده ۸ اساسنامه جرم‌انگاری شده است.^۷

برای هر حمله چهار مرحله باید جداگانه طی شود. نخست، وضعیت شخص یا شیء و وجود مزیت نظامی معین احراز شود. دوم، منبع و تازگی اطلاعات، میزان تردید و امکان راستی‌آزمایی سنجیده شود. سوم، تلفات قابل پیش‌بینی با مزیت مستقیم و مشخص، نه اهداف کلی جنگ، مقایسه شود. چهارم، زمان، زاویه، تعداد مهمات و گزینه‌های کم‌خطرتر بررسی شود. اجتماع خطاهای این مراحل با علم، قصد یا بی‌پروایی آگاهانه است که وصف کیفری را برجسته می‌کند.

۲-۱. هدف‌گیری رهبر جمهوری اسلامی ایران در محیط شهری

مقام سیاسی، حتی اگر فرمانده کل قوا باشد، به‌صرف عنوان خود هدف مشروع نیست. باید عضویت واقعی او در نیروهای مسلح یا مشارکت مستقیم و عملیاتی در مخاصمه، فقط برای مدت آن مشارکت احراز شود.^۸ سیاست‌گذاری کلان یا اقتدار قانون اساسی به‌تنهایی جایگزین این معیار نیست. همچنین محل اداری یا اقامتگاه، زمانی هدف نظامی می‌شود که کارکرد فعلی آن، نه تصور کلی درباره جایگاه ساکن، دو شرط مقرر در بند ۲ ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول را برآورده کند.

اجرای حمله در نخستین موج و در بافت متراکم شهری، با علم به حضور خانواده‌ها و ساکنان مجاور، تعهد احتیاط را تشدید می‌کند. اگر وضعیت نظامی شخص یا مکان احراز نشده و زمان و وسیله حمله با وجود گزینه‌های کم‌خطرتر انتخاب شده باشد، مجموعه این عوامل می‌تواند حمله عمدی یا بی‌پروایانه به غیرنظامیان و حمله نامتناسب را اثبات کند. نوع مهمات، زاویه اصابت، فاصله قربانیان از هدف ادعایی و پیش‌بینی تلفات، از قرائن مورد پذیرش رویه قضایی‌اند.^۹ نمی‌توان مزیت نظامی را صرفاً با اهمیت سیاسی فرد مورد هدف سنجید؛ مزیت باید در زمان حمله، عینی و قابل انتظار باشد. اگر نقش عملیاتی مستقیم اثبات نشده باشد، خسارت به اعضای خانواده، همسایگان و بافت مسکونی، نتیجه حمله‌ای است که مشروعیت هدف آن از آغاز محل تردید بوده است. همین تردید، وظیفه لغو یا تعلیق حمله را فعال می‌کند.

6. *Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, (Protocol I)* 8 June, 1977, 1125 UNTS 3, arts. 48, 51, 52 and 57; International Committee of the Red Cross, *Customary International Humanitarian Law*, vol. I: Rules (Cambridge: Cambridge University Press, 2005), rules 1, 7 and 14-21.

7. *Rome Statute*, art. 8(2)(b)(i), (ii) and (iv); International Criminal Court, *Elements of Crimes* (2013).

8. International Committee of the Red Cross, *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law* (Geneva: ICRC, 2009), 43-64.

9. *Prosecutor v. Stanislav Galić* (ICTY), IT-98-29-T, Judgment and Opinion, 5 December 2003, paras. 55-60; *Prosecutor v. Pavle Strugar* (ICTY), T-01-42-A, Appeal Judgment, 17 July 2008, paras. 270-277.

۲-۲. حمله به مدرسه شجره طيبة میناب

در ساعت کاری و اداری مدرسه روز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴، مدرسه ابتدایی شجره طيبة میناب هدف حملات موشکی آمریکا قرار گرفت. بر مبنای آمار نهایی اعلام‌شده از سوی دادستان میناب پس از بررسی اسناد و مدارک، ۱۵۶ نفر کشته شدند؛ این رقم، آمار رسمی مبنای این بحث است. بخش بزرگی از قربانیان، دانش‌آموزان هفت تا دوازده‌ساله بودند. مدرسه سال‌ها پیش از مجموعه نظامی سابق جدا شده، دیوار و ورودی مستقل داشت و اطلاعات مربوط به کاربری آموزشی و حضور کودکان به‌صورت علنی قابل دسترسی بود. نباید این واقعه را فقط خسارت به یک ساختمان دید. مفهوم تحلیلی «اسکولاستیساید» یا «دانش‌کشی» توجه را به تخریب تجمعی نهادهای آموزش و زیست‌بوم دانشی جلب می‌کند. این اصطلاح هنوز جرم مستقلی در حقوق موضوعه نیست اما در کنار عناوین موجود از حمله عمدی به اموال غیرنظامی تا آزار و دیگر جنایات برای شکارکردن زیان جمعی و بلندمدت حمله به آموزش سودمند است.^{۱۱۰}

انتقال مراکز نظامی از محدوده شهری میناب از سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، گذشت بیش از یک دهه از داده‌های احتمالی قدیمی، توان اطلاعاتی مهاجم، انجام حمله در ساعت حضور دانش‌آموزان و تعدد اصابت‌ها، فرض «خطای اجتناب‌ناپذیر» را به‌شدت تضعیف می‌کند. در حمله برنامه‌ریزی شده و نخستین موج عملیات، نبود راستی‌آزمایی چندلایه و به‌روزرسانی بانک هدف صرفاً نقص اداری نیست؛ این رفتار قرینه پذیرش آگاهانه خطر کشتار کودکان است. حتی اگر فرض شود مهاجم در پی هدفی نظامی در مجاورت مدرسه بوده است، وجود آن هدف، مدرسه را به هدف نظامی تبدیل نمی‌کند و طرف حمله را از انتخاب مهمات، جهت اصابت و زمان کم‌خطرتر معاف نمی‌سازد. تراکم کودکان در ساعات آموزشی و امکان انتخاب زمانی خارج از حضور آنان، در ارزیابی احتیاط و تناسب تعیین‌کننده است. اصابت مستقیم و ابعاد تلفات، تحقیق درباره عمدی بودن هدف‌گیری یا دست‌کم بی‌پروایی نسبت به وضعیت غیرنظامی را ضروری می‌کند.

۲-۳. رکن روانی حمله میناب: بی‌پروایی آگاهانه و بی‌مبالاتی فاحش

رویه تجدیدنظر در پرونده استروگار، «عامدانه» بودن حمله علیه غیرنظامیان را شامل قصد ناروا یا

*۱. روابط عمومی دادگستری شهرستان میناب، به نقل از ابراهیم طاهری، دادستان میناب، «آمار نهایی شهدای حمله به مدرسه شجره طيبة ۱۵۶ نفر است»، ۲۰ فروردین ۱۴۰۵، بازشر در شفقنا.

(بازدید: ۷ مرداد ۱۴۰۵) <https://fa.shafaqna.com/news/2242176/>

1. Heybatollah Najandimanesh, "War Crimes without a War Crimes Statute? The Shajareh Tayyebbeh Minab School Attack and the Possibility of Domestic Prosecution of Serious Violations of IHL in Iranian Courts," *EJIL Talk!*, 18 June 2026, <https://www.ejiltalk.org/war-crimes-without-a-war-crimes-statute-the-shajareh-tayyebbeh-minab-school-attack-and-the-possibility-of-domestic-prosecution-of-serious-violations-of-ihl-in-iranian-courts/> (بازدید: ۷ مرداد ۱۴۰۵)

بی‌پروایی آگاهانه می‌داند، هرچند غفلت ساده را کافی نمی‌شمارد. همچنین باید ثابت شود مرتکب از وضعیت غیرنظامی قربانی آگاه بوده یا می‌بایست آگاه می‌بود.^۲ بنابراین سؤال میناب فقط این نیست که آیا مهاجم می‌خواست کودکان را بکشد؛ سؤال این است که آیا با آگاهی از احتمال بسیار بالای غیرنظامی بودن هدف و پیامد مرگبار، خطر را پذیرفت و حمله را اجرا کرد؟

از این منظر، بی‌مبالاتی فاحش در به‌روزرسانی اطلاعات، زمانی که با آگاهی از خطر و تصمیم به ادامه حمله همراه است، به بی‌پروایی آگاهانه تبدیل می‌شود. تمایز میان معیار عرفی استروگار و ماده ۳۰ اساسنامه رم باید حفظ شود؛ ماده ۳۰ درباره قصد و علم سختگیرانه‌تر است اما حتی در چارچوب آن، تعدد اصابت‌های هدایت‌شونده، وضعیت آشکار مدرسه و زمان حمله می‌تواند برای استنباط علم به وقوع نتیجه در سیر عادی امور به کار رود.^۳ اگر نتیجه، داده‌های موجود، مبنای قوی برای توصیف حمله میناب به‌عنوان جنایت جنگی و تحقیق درباره تصویب‌کنندگان هدف، فرماندهان و عاملان فراهم می‌کند؛ پنهان‌شدن پشت عنوان کلی «خطای اطلاعاتی» رکن روانی را منتفی نمی‌کند.^۴

۳. محاصره دریایی به‌عنوان تداوم تجاوز و روش جنگ

موضوع بعدی محاصره دریایی است؛ اقدامی که هم در امتداد تصمیم تجاوزکارانه و هم به‌عنوان روش جنگ باید ارزیابی شود.

محاصره دریایی آمریکا از جنبه نخست می‌تواند ادامه همان عمل تجاوزکارانه و بخشی از اجرای تصمیم رهبری باشد. از جنبه دوم، حقوق مخاصمات دریایی آن را تنها با شرایط مضیق می‌پذیرد: اعلام و اجرای مؤثر، اعمال بی‌طرفانه، رعایت حقوق کشتی‌ها و دولت‌های بی‌طرف، منع عملیات در قلمرو بی‌طرف و امکان واقعی عبور کمک‌های بشردوستانه.^۵ اعلام رسمی از سرگیری محاصره در تیر ۱۴۰۵ نشان می‌دهد با سیاست عملیاتی مستمر، نه حادثه‌ای موضعی، مواجهیم.^۶ اگر محاصره برای قطع غذا، دارو، سوخت و دیگر اقلام ضروری طراحی شود یا تصمیم‌گیرندگان

1. *Prosecutor v. Pavle Strugar* (ICTY Trial Chamber II, IT-01-42-A, Appeal Judgment, 17 July 2008, para. 271 (wilfulness encompasses wrongful intent or recklessness, but not mere negligence); ICTR/ICTY/IRMCT Case Law Database, "Attacks on Civilians," <https://cld.irmct.org/notions/show/106/attacks-on-civilians>).

1. International Criminal Court, Office of the Prosecutor, *Situation in the Republic of Korea: Article 5 Report*, June 2014, 23-24; Brian L. Cox, "Recklessness, Intent, and War Crimes," *Georgetown Journal of International Law* 52 (2020): 1-74.

1. *Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (Protocol I)*, 8 June 1977, 1125 UNTS 3, arts. 52(3) and 57(2)(a); International Committee of the Red Cross, *Customary International Humanitarian Law*, vol. I: Rules (2005) rules 15-21.

1. International Institute of Humanitarian Law, *San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea* (Cambridge: Cambridge University Press, 1995), paras. 93-104.

1. U.S. Central Command, "U.S. Forces to Resume Naval Blockade against Iran," 13 July 2026, <https://www.centcom.mil/MEDIA/PUBLIC-RELEASES/Article-4542098/us-forces-to-resume-naval-blockade-against-iran/>. (تاریخ مراجعه: ۷ مرداد ۱۴۰۵).

با علم به چنین نتیجه‌ای آن را ادامه دهند، ممنوعیت گرسنگی‌دادن به غیرنظامیان و جرم ماده ۸(۲)(ب)(۲۵) مطرح می‌شود.^۷ در کشوری با جمعیت گسترده، پیش‌بینی آثار محروم‌ساز محاصره دشوار نیست. نبود گذرگاه مؤثر بشردوستانه، مداخله فراگیر در کشتی‌رانی بی‌طرف و استمرار سیاست پس از مشاهده کمبودها، عناصر مادی و روانی را تقویت و مسئولیت را به طراحان و فرماندهان عالی تسری می‌دهد.

آزادی کشتی‌رانی در دریای آزاد و مصونیت قلمرو دولت‌های بی‌طرف نیز بخشی از تحلیل‌اند. توقف کشتی تجاری صرفاً به دلیل مبدأ یا مقصد ایرانی، بدون احراز شرایط بازدید، ضبط یا قاچاق جنگی، محاصره را به مداخله فراگیر و تبعیض‌آمیز تبدیل می‌کند. تصمیم‌گیرندگان نمی‌توانند آثار انسانی یک گلوگاه حیاتی را غیرقابل‌پیش‌بینی قلمداد کنند. طراحی خود محاصره بر پیش‌بینی همین آثار استوار است.

۴. خطر نسل‌زدایی و پیوند گفتار نابودگرانه با رفتار عملی

در این محور باید دو سطح را از هم تفکیک، اما در بستر واحد تحلیل کنیم: جرم مستقل تحریک مستقیم و علنی و احتمال تحمیل شرایط زندگی نابودگر.

ایرانیان یک گروه ملی مورد حمایت کنوانسیون نسل‌زدایی‌اند. تحلیل حاضر دو محور متمایز اما مرتبط دارد: نخست، جرم مستقل تحریک مستقیم و علنی به نسل‌زدایی؛ و دوم، احتمال تحقق خود نسل‌زدایی از طریق تحمیل عمدی شرایط زندگی. ماده ۲(ج)، روش‌هایی را در بر می‌گیرد که برای نابودی فیزیکی تمام یا بخشی از گروه محاسبه شده‌اند و ماده ۳(ج)، تحریک مستقیم و علنی را حتی بدون تحقق نسل‌زدایی جرم می‌داند. در ۱۸ فروردین ۱۴۰۵، رئیس‌جمهور ایالات متحده در پیامی عمومی اعلام کرد «یک تمدن کامل امشب خواهد مرد و هرگز باز نخواهد گشت» و وقوع آن را محتمل دانست. این عبارت در خلأ بیان نشد؛ در میانه جنگ، محاصره و تهدید و حمله علیه پل‌ها، نیروگاه‌ها و دیگر شرایط اساسی زندگی مردم ایران صادر شد.^{۱۹۸}

1 . Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (Protocol I), supra, art. 54; Rome Statute, art. 8(2)(b)(xxv); San Remo Manual, supra, paras. 102-104.

1 . Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 9 December 1948, 78 UNTS 277, arts. II(c) and III(c); Rome Statute, art. 6(c).

1 . Donald J. Trump, Truth Social post, 7 April 2026, <https://truthsocial.com/@realDonaldTrump/posts/116363336033995961> (accessed 28 July 2026); Susan Heavey and Bhargav Acharya, "Trump Says 'a Whole Civilization Will Die Tonight' If Iran Does Not Make a Deal," Reuters, 7 April 2026, <https://www.reuters.com/world/middle-east/trump-says-a-whole-civilization-will-die-tonight-if-iran-does-not-make-deal-2026-04-07/> (accessed 28 July 2026).

۴-۱. تحریک مستقیم و علنی به نسل‌زدایی

بر پایه احکام صادره در پرونده‌های آکایسو و ناهیمانا، مستقیم‌بودن مستلزم آن است که پیام، در زبان و زمینه واقعی خود، برای مخاطب مورد نظر به منزله فراخوان به ارتکاب یک یا چند رفتار نسل‌زدا فوراً قابل فهم باشد؛ بنابراین، کاربرد فعل امری صریح، شرط انحصاری نیست، ولی اشاره مبهم یا غیرمستقیم نیز کفایت نمی‌کند. علنی‌بودن با توجه به محل، نامحدود یا منتخب‌بودن مخاطبان، تعداد آنان و رسانه انتقال پیام سنجیده می‌شود. انتشار در یک شبکه اجتماعی عمومی که خطاب به جامعه نامحدود است، مصداق روشن علنی‌بودن است. رکن روانی نیز قصد تحریک مستقیم و علنی را می‌طلبد که خود متضمن قصد خاص نسل‌زدایانه است.^{۲۲۰}

در تطبیق این معیارها، علنی‌بودن پیام رئیس‌جمهور آمریکا محل تردید جدی نیست. مستقیم‌بودن نیز باید از مجموع واژگان و زمینه استنباط شود: گروه هدف، مردم و تمدن ایران معرفی می‌شود؛ نتیجه، مرگ کامل و بازگشت‌ناپذیر آن است؛ ضرب‌الاجل زمانی تعیین می‌شود؛ گوینده هم رئیس‌جمهور و هم فرمانده کل نیروهای در حال جنگ است؛ و گفتار با محاصره و عملیات علیه زیرساخت‌های حیاتی هم‌زمان می‌شود. در چنین وضعیتی، مخاطبان -از نیروهای مسلح و متحدان تا افکار عمومی- می‌توانند پیام را نه پیش‌بینی بی‌طرفانه، بلکه اجازه، تشویق و توجیه ادامه رفتاری بفهمند که نابودی گروه را پیامدی پذیرفتنی عرضه می‌کند.

2 . *Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu* (ICTR), ICTR-96-4-T, Judgment, 2 September 1998, paras. 557-561. Ameer F. Gopalani, "The International Standard of Direct and Public Incitement to Commit Genocide: An Obstacle to U.S. Ratification of the International Criminal Court Statute?" *California Western International Law Journal* 32, no. 1 (2001): 104-106. Charlotte Emily Wick, "Direct and Public Incitement to Commit Genocide: Lessons from the International Criminal Tribunal for Rwanda" (PhD diss., University of Leicester, 2019), 200-203;

ن.ک: نگین پورمحمدی، مهین سبحانی و مجتبی جانی‌پور، «بررسی تحریک علنی و مستقیم به ارتکاب نسل‌زدایی در حقوق کیفری بین‌المللی»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی ۱۱، ۴۳ (۱۴۰۲)

doi:10.22054/jclr.2023/69698/2514

2 . *Prosecutor v. Ferdinand Nahimana et al.* (ICTR), ICTR-99-52-A, Appeal Judgment, 28 November 2007, paras. 677-679, 692-711 and 720-723; ICTR/ICTY/IRMCT Case Law Database, "Direct and Public Incitement to Commit Genocide," <https://cld.irmct.org/notions/show/265/direct-and-public-incitement-to-commit-genocide> (accessed 28 July 2026), Brendan Saslow, "Public Enemy: The Public Element of Direct and Public Incitement to Commit Genocide," *Case Western Reserve Journal of International Law* 48 (2016): 439-446; Toby Mendel, *Study on International Standards Relating to Incitement to Genocide or Racial Hatred* (report for the UN Special Adviser on the Prevention of Genocide, April 2006), 64-69; Wibke Kristin Timmermann, "Incitement in International Criminal Law," *International Review of the Red Cross* 88, no. 864 (2006): 823-852, <https://doi.org/10.1017/S1816383107000793>; International Criminal Court, "Stephen Rapp: 'The Notion of Direct and Public Incitement to Commit Genocide' - Lessons from the Media Trial," guest lecture, September 30, 2008, <https://www.icc-cpi.int/node/194152> (accessed 28 July 2026) International Criminal Court, "Stephen Rapp: The Notion of Direct and Public Incitement to Commit Genocide" - Lessons from the Media Trial," guest lecture, September 30, 2008, <https://www.icc-cpi.int/node/194152> (accessed 28 July 2026) International Criminal Court, "Stephen Rapp: 'The Notion of Direct and Public Incitement to Commit Genocide' - Lessons from the Media Trial," guest lecture, September 30, 2008, <https://www.icc-cpi.int/node/194152> (accessed 28 July 2026).

ممکن است در دفاع گفته شود عبارت مورد بحث صرفاً پیش‌بینی مشروط یا اغراق سیاسی است. با این حال، اگر پیام در زمینه عملیات، قدرت واقعی گوینده، تعیین گروه هدف، زمان‌بندی و رفتارهای هم‌زمان سنجیده شود، ابهامی که در خلأ ظاهراً وجود دارد تا حد زیادی برطرف می‌شود. موضع من این است که مجموعه مزبور از آستانه «تهدید صرف» عبور کرده و دست‌کم مبنایی قوی و قابل تحقیق برای احراز تحریک مستقیم و علنی به نسل‌زدایی فراهم می‌آورد. می‌توان قصد خاص را از زبان نابودگرانه، قدرت عملی گوینده، انتخاب گروه ملی به عنوان موضوع مرگ و پیوند پیام با سیاست محروم‌ساز استنباط کرد. تحقق نسل‌زدایی یا اثبات رابطه سببیت با اعمال بعدی، شرط این جرم مستقل و ناتمام نیست.

یک معیار تقارن نیز معیار دوگانه را آشکار می‌کند: اگر رئیس‌جمهور روسیه درباره مردم اوکراین، یا رهبر طالبان درباره جامعه آمریکا، در میانه عملیات نظامی از مرگ کامل و بازگشت‌ناپذیر یک تمدن سخن می‌گفت، به احتمال فراوان دولت‌ها و رسانه‌های غربی آن را صرفاً «اغراق سیاسی» نمی‌خواندند. هویت گوینده نباید آستانه حقوقی را بالا یا پایین ببرد. واکنش گزینشی به گفتار نابودگرانه، تغییری در ارکان جرم نمی‌دهد؛ این مقایسه جای اثبات عناصر را نمی‌گیرد، بلکه نشان می‌دهد همان معیار حقوقی باید بدون امتیاز ناشی از قدرت سیاسی اعمال شود.

۴-۲. تحمیل شرایط زندگی

برای نسل‌زدایی موضوع ماده ۲(ج)، نابودی فیزیکی لازم نیست آنی و از طریق کشتن مستقیم اعضای گروه باشد. رویه قضایی، محرومیت طولانی مدت از غذا، آب، سرپناه، بهداشت و مراقبت پزشکی را از روش‌هایی می‌داند که می‌توانند به «مرگ تدریجی» بینجامند. در وضعیت حاضر، استمرار محاصره دریایی، حمله به نیروگاه‌های برق، بیمارستان‌ها، پالایشگاه‌ها، تأسیسات داروسازی، تولید غذا و شبکه‌های حمل‌ونقل، همراه با گفتار رئیس‌جمهور آمریکا، باید به صورت یک مجموعه بررسی شود. بسیاری از این اقدامات از سطح تهدید گذشته و عملی شده‌اند؛ از این رو در ارزیابی مقدماتی می‌توانند قرائنی از طراحی شرایط زیستی نابودگر و قصد احتمالی پشت آن فراهم آورند.^{۲۲}

با این همه، درباره تحقق خود نسل‌زدایی باید محتاط بود. لازم است اثبات شود که محرومیت‌ها عامدانه برای نابودی فیزیکی تمام یا بخش قابل توجهی از گروه ملی ایران محاسبه شده‌اند؛ صرف تخریب اقتصادی، فرهنگی یا آموزشی، هر قدر سنگین، به تنهایی کافی نیست. داده‌های موجود در

2 . *Prosecutor v. Zdravko Tolimir* (ICTY), IT-05-88/2-A, Appeal Judgment, 8 April 2015, paras. 225-234; ICTR/ICTY/IRMCT Case Law Database, "Conditions of Life Calculated to Bring about Physical Destruction," <https://cld.irmct.org/notions/show/173/conditions-of-life-calculated-to-bring-about-physical-destruction> (accessed 28 July 2026); *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Croatia v. Serbia)*, Judgment, I.C.J. Reports 2015, 3, para. 161; International Criminal Court, *Elements of Crimes* (2013), art. 6(c).

این مرحله برای اعلام یک نتیجه قطعی قضایی بسنده نمی‌کند، اما برای احراز «خطر واقعی» و ضرورت تحقیق فوری درباره نسل‌زدایی از طریق تحمیل شرایط زندگی کفایت دارد. بنابراین دو نتیجه باید جدا بماند: مبنای قوی برای جرم مستقل تحریک مستقیم و علنی، و نگرانی مستند اما محتاطانه درباره امکان در حال وقوع بودن رفتار موضوع ماده ۲(ج).

۵. اقدامات امارات؛ از پیوند با مخاصمه تا آزار

اکنون به رفتار امارات با اتباع ایرانی، شیعیان پاکستانی و بیمارستان هلال احمر ایران می‌رسیم. مبنای واقعی این بخش، وقوع و ثبت اقدامات است، نه انتظار برای تأیید آن‌ها از سوی منابع غیرایرانی. داده‌های مورد استناد شامل اخراج اتباع ایرانی و شیعیان پاکستانی، توقیف یا مسدودسازی اموال، تعطیلی اجباری بیمارستان هلال احمر ایران در دبی، ترخیص و انتقال اجباری بیماران بدحال، محدودیت و اخراج کارکنان از محل اسکان، اختلال در سامانه‌های بیمارستان و ممنوع‌الخروجی و احضار مکرر رئیس بیمارستان است. این اقدامات در اظهارات و مستندات رسمی مسئولان جمعیت هلال احمر ایران ثبت شده‌اند.^{۲۳}

مسئله حقوقی، انتخاب عنوان مناسب است. اگر این رفتارها به سبب مخاصمه، در اجرای همکاری امارات با عملیات، یا برای آسیب‌زدن به غیرنظامیان وابسته به طرف مقابل انجام شده باشند، رابطه نزدیک با مخاصمه برقرار و وصف جنایت جنگی برای رفتارهای منطبق با جرایم احصاشده قابل بررسی است. تعطیلی مرکز درمانی و اخلال عمدی در درمان، به‌ویژه با آگاهی از وضعیت بیماران، شدیدترین مصداق است. غیرنظامی بودن ماهیت اداری عمل، پیوند آن را با جنگ منتفی نمی‌کند.^{۲۴} پرونده حمید نوری نیز فارغ از ارزیابی سیاسی آن نشان می‌دهد که در اعمال صلاحیت جهانی، احراز رابطه رفتار با مخاصمه می‌تواند بر وصف حقوقی و مبنای تعقیب اثر تعیین‌کننده داشته باشد.^{۲۵}

۲۳. راضیه عالیشوندی، معاون امور بین‌الملل و حقوق بشردوستانه جمعیت هلال احمر ایران، «از ترخیص اجباری بیماران تا ایجاد محدودیت برای کادر درمان»، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ (بازدید: ۷ مرداد ۱۴۰۵). <https://www.daroovasalamat.ir/news/63447>.

۲۴. پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر ایران، «رئیس بیمارستان هلال احمر در دبی ممنوع‌الخروج شد»، ۱۰ خرداد ۱۴۰۵، باز نشر در تابناک، <https://www.tabnak.ir/fa/news/1376083> (بازدید: ۷ مرداد ۱۴۰۵)؛ «اخراج دسته‌جمعی شیعیان پاکستانی از امارات»، تابناک، ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵، <https://www.tabnak.ir/fa/news/1370518>.

۲۵. *Prosecutor v. Duško Tadić* (ICTY), IT-94-1-A, Appeal Judgment, 15 July 1999, paras. 251-255 [45, 64]; International Criminal Court, *Elements of Crimes*, supra, art. 8, nexus elements.

۲۶. Stockholm District Court, "Iranian Citizen Sentenced to Life in Prison for Executions of Political Prisoners in Iran in 1988," 14 July 2022, <https://www.domstol.se/nyheter/2022/07/iranian-citizen-sentenced-to-life-in-prison-for-executions-of-political-prisoners-in-iran-in-1988/> (accessed 28 July 2026); Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, "Iran: UN Expert Welcomes Historic Verdict in Universal Jurisdiction Case," 14 July 2022, <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2022/07/iran-un-expert-welcomes-historic-verdict-universal-jurisdiction-case> (accessed 28 July 2026).

بیمارستان و بیماران نقطهٔ کانونی این ارزیابی‌اند. تعطیلی شتاب‌زده، انتقال بیمار بدحال، اخراج کارکنان و مسدود کردن منابع مالی، مجموعه‌ای واحد است که دسترسی به درمان را مختل می‌کند. وقتی دولت میزبان از وضعیت بیماران آگاه است و با وجود امکان تدابیر جایگزین، تعطیلی فوری را اجرا می‌کند، آثار غیرانسانی قابل پیش‌بینی‌اند. تحقیق باید دستورهای اداری، نقش پلیس و رابطهٔ زمانی تصمیم‌ها با مشارکت امارات در مخاصمه را مطالبه کند.

حتی اگر رابطهٔ لازم برای جنایت جنگی احراز نشود، اخراج جمعی، محرومیت شدید از مالکیت، درمان، اقامت و امنیت به دلایل ملی یا مذهبی می‌تواند آزار به‌عنوان جنایت علیه بشریت باشد، مشروط به قرارگرفتن در حملهٔ گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی و علم مرتکبان به آن حمله. ۷. هم‌زمانی، تشابه قربانیان، تعدد نهادهای دخیل و اجرای هماهنگ اقدامات، قرائن سیاست و سازمان‌یافتگی هستند. بنابراین اقدامات امارات، حاشیه‌ای بر جنگ نیستند، بلکه جزئی از نقشهٔ مسئولیت و پاسخگویی‌اند.

۶. پذیرش موردی صلاحیت دیوان طبق بند ۳ ماده ۱۲

پرسش بعدی این است که آیا ایران باید به‌طور موردی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را بپذیرد. ایران به‌عنوان دولت غیرطرف اساسنامهٔ رم می‌تواند صلاحیت دیوان را نسبت به وضعیت و جرایم واقع‌شده در قلمرو خود بپذیرد.^۸ اعلامیه می‌تواند بازهٔ زمانی و زمینهٔ مخاصمه را تعریف کند اما نمی‌تواند فقط اشخاص آمریکایی یا اسرائیلی را در بر گیرد؛ دیوان وضعیت‌محور است و پارامتر خودسرانه برای حذف اشخاص یا جرایم مرتبط را نمی‌پذیرد.^۹ آیین نتیجه به معنای کم‌اهمیتی ابزار نیست؛ برای جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی واقع‌شده در قلمرو ایران، تابعیت مرتکب، مانع صلاحیت سرزمینی نخواهد بود.

سه محدودیت باید در تصمیم‌گیری دیده شود. نخست، اعلامیه فقط شرط صلاحیتی را فراهم می‌کند و خودبه‌خود تحقیق را آغاز نمی‌نماید. دوم، تجربهٔ اوکراین نشان می‌دهد پذیرش می‌تواند زمانی گسترده باشد اما پس از آن یکی از سازکارهای ماده ۱۳، به‌ویژه اقدام دادستان طبق ماده

2 . *Rome Statute*, supra, art. 7(1)(d), (h) and (k), and art. 7(2)(a), (d) and (g).

2 . *Rome Statute*, supra, art. 12(3); International Criminal Court, *Rules of Procedure and Evidence* (2022), rule 44, <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/2023-02/Rules-of-Procedure-and-Evidence-Dec-2022.pdf>.

2 . *Prosecutor v. Laurent Gbagbo* (ICC-02/11-01/11-212, Decision on Jurisdiction, 15 August 2012, paras. 59-60.

3 . International Criminal Court, "Questions and Answers on Article 14 Referrals and Article 12(3) Declarations," <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/NR/rdonlyres/74EEE201-0FED-4481-95D4-C8071087102C/279787/QARegistryArticle14.pdf> (accessed 28 July 2026).

۱۵ لازم است.^{۳۳} سوم، ماده ۱۵ مکرر(۵) صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز ارتكابی توسط اتباع دولت‌های غیرعضو یا در قلمرو آن‌ها را مسدود می‌کند؛ از این رو اعلامیه ایران راه رسیدگی دیوان به جنایت تجاوز آمریکا و اسرائیل را نمی‌گشاید.^{۳۳}

پذیرش صلاحیت، تعهد همکاری ایجاد می‌کند و ممکن است رفتار همه بازیگران مرتبط با وضعیت بررسی شود. ایران پس از صدور اعلامیه، کنترل یکجانبه‌ای بر دامنه تحقیق، انتخاب مظنونان یا ارزیابی دادستان نخواهد داشت. این اثر دوطرفه صرفاً یک نکته فنی نیست؛ به‌ویژه آنکه اعلامیه، با وجود گشودن صلاحیت نسبت به نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی سرزمینی، خلأ صلاحیت دیوان درباره تجاوز آمریکا و اسرائیل را برطرف نمی‌کند. از این رو سود و خطر ابزار باید در پرتو عملکرد نهادهای دیوان، تکمیلی بودن و احتمال بررسی تمام طرف‌های وضعیت ارزیابی شود.^{۳۴} از نظر حقوقی، ایران می‌تواند بازه زمانی را دقیق تعریف کند، ممیزی داخلی انجام دهد، ادله را حفاظت کند و برای همکاری آماده شود. با این حال، با لحاظ دامنه دوطرفه صلاحیت، فقدان کنترل دولت بر مسیر تحقیق، بسته‌بودن راه رسیدگی دیوان به جنایت تجاوز و تجربه گزینش و فشار سیاسی در عدالت کیفری بین‌المللی، صدور اعلامیه بند ۳ ماده ۱۲ را در شرایط فعلی به مصلحت نمی‌دانم و توصیه نمی‌کنم. این دآوری سیاستی، نفی امکان حقوقی یا صلاحیت دیوان نیست، بلکه تمایز میان «ممکن بودن حقوقی» و «مصلحت راهبردی» است. در شرایط کنونی باید اولویت بر تحقیقات واقعی داخلی، قانونگذاری، حفظ ادله و فعال‌سازی صلاحیت جهانی قرار گیرد.

۷. معماری چندسطحی پاسخگویی

در پایان باید میان امکان حقوقی تعقیب و امکان واقعی دسترسی به عدالت تمایز بگذاریم. محدودیت دیوان، به‌ویژه درباره تجاوز، پاسخگویی را منتفی نمی‌کند. تحقیق و تعقیب داخلی، صلاحیت جهانی در دولت‌های ثالث، دادگاه ویژه یا توافقی، سازکارهای حقیقت‌یاب و شبکه‌های حرفه‌ای حفظ ادله باید هم‌زمان فعال شوند. مرورهای سالانه صلاحیت جهانی نشان می‌دهند که

3 . International Criminal Court, "Situation in Ukraine," <https://www.icc-cpi.int/situations/ukraine> (accessed 28 July 2026).

3 . *Rome Statute*, supra, arts. 13(a), 14 and 15. Acceptance under article 12(3) does not convert a non-party into a State Party entitled to refer a situation under article 14.

3 . *Rome Statute*, supra, art. 15 bis(5): The Court shall not exercise jurisdiction over aggression committed by nationals of, or on the territory of, a non-party State.

3 . *Rome Statute*, supra, art. 12(3), final sentence, and Part 9.

3 . *Rome Statute*, supra, preamble, paras. 4-6 and 10, and arts. 1 and 17.

این ابزار، با وجود سیاسی بودن همکاری دولت‌ها، به پرونده و محکومیت واقعی منتهی می‌شود.^{۳۶} در سطح ملی، تصویب قانون جامع جنایات بین‌المللی برای تعریف نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز، تعیین مسئولیت فرماندهی و فراهم کردن قواعد صلاحیت و همکاری ضروری است. لایحه جنایات بین‌المللی ایران، گامی مهم در این مسیر است و تعریف جرایم اصلی را تا حد زیادی وارد حقوق داخلی می‌کند؛ در عین حال، نوآوری‌هایی مانند تصریح به حمله علیه تأسیسات هسته‌ای، مسئولیت اشخاص حقوقی و جبران خسارت قربانیان را در خود دارد. پیش از تصویب باید دقت تعاریف، آستانه «نقض آشکار» در تجاوز، مفهوم شرایط زیستی در نسل‌زدایی، دامنه صلاحیت جهانی و قواعد مسئولیت فرماندهی روشن‌تر شود. چنین قانونی می‌تواند مبنای داخلی تحقیق دربارهٔ میناب، محاصره و دیگر جرایم باشد و نباید به صدور اعلامیه ماده ۱۲(۳) وابسته بماند.^{۳۷} دادگاه ویژه تجاوز علیه اوکراین نشان می‌دهد می‌توان خلأ صلاحیتی را با طراحی نهادی جبران کرد، هرچند ایجاد مرجعی مشابه برای ایران به ائتلاف سیاسی، بودجه، دسترسی به متهم و معاضدت گسترده نیاز دارد.^{۳۸}

پیش از انتخاب دادگاه باید ادله قابل استفاده قضایی حفظ شود: زمان و مختصات هر حمله، فایل اصلی تصویر و فراداده، زنجیره نگهداری، شهادت‌های مستقل، مشخصات مهمات، فهرست اهداف، هشدارها و تصمیم‌های پس از حمله. دربارهٔ میناب، سوابق انتقال مجموعه نظامی، نقشه‌های تاریخی، ورودی مستقل مدرسه، فهرست دانش‌آموزان، بقایای مهمات و نسخه بانک هدف باید در مخزن امن گردآوری شود. دربارهٔ تحریک به نسل‌زدایی، نسخه اصیل پیام‌ها، زمان انتشار، مخاطبان و ارتباط زمانی آن‌ها با دستورهای عملیاتی و حملات زیرساختی اهمیت دارد.

حفظ ادله باید از انتشار تبلیغاتی آن جدا باشد. مصاحبه با بازماندگان، به‌ویژه کودکان، نیازمند رضایت آگاهانه و حمایت روانی است؛ فایل‌ها باید هش‌گذاری، زمان‌سنجی و در زنجیره‌ای قابل ممیزی نگهداری شوند. دانشگاه‌ها می‌توانند روش جمع‌آوری را استاندارد، تعارض روایت‌ها را ثبت و برای هر ادعا «ماتریس عناصر جرم-دلیل» تهیه کنند تا استفاده در محاکم ملی، صلاحیت جهانی یا مرجع ویژه ممکن شود.

3 . TRIAL International, *Universal Jurisdiction Annual Review 2026* (Geneva: TRIAL International, 2026), https://trialinternational.org/wp-content/uploads/2026/04/UJAR_2026_digital.pdf (accessed 28 July 2026).

37 . Islamic Republic of Iran, Statement to the Twenty-Fourth Session of the Assembly of States Parties, 2 December 2025, https://asp.icc-cpi.int/sites/default/files/asp_docs/ASP24-GD-IRN-2-12-ENG.pdf; Heybatollah Najandimanesh, "Between Sovereignty and Universality: Iran's Draft Bill on International Crimes in Comparative Perspective," *Opinio Juris*, 22 December 2025, <https://opiniojuris.org/2025/12/22/between-sovereignty-and-universality-irans-draft-bill-on-international-crimes-in-comparative-perspective/> (accessed 28 July 2026).

38 . Council of Europe, "Special Tribunal for the Crime of Aggression against Ukraine", <http://www.coe.int/en/web/special-tribunal-ukraine> (accessed 28 July 2026).

نتیجه

جنگ رمضان، نمود الگویی است که در آن مرگ غیرنظامیان از استثنا به پیامد پذیرفته‌شده عملیات تبدیل می‌شود. حقوق بین‌الملل کیفری برای پاسخ به این الگو ابزار دارد، مشروط به آنکه تحلیل از عامل شلیک فراتر رود و زنجیره تصمیم، بانک اهداف، تجربه حملات پیشین و اصرار بر روش‌های پرخطر را بررسی کند. الگو جایگزین ارکان جرم نیست، اما می‌تواند علم، قصد، بی‌پروایی آگاهانه، سیاست و انتساب فردی را اثبات کند.

در جنایت تجاوز، تمرکز باید بر مقامات رهبری آمریکا و اسرائیل و تصمیم‌گیرندگان دولت‌های ثالثی باشد که آگاهانه امکانات تعیین‌کننده فراهم کردند. در جنایات جنگی، هدف‌گیری رهبر جمهوری اسلامی ایران بدون احراز وضعیت نظامی و حمله به مدرسه میناب در ساعت حضور کودکان، همراه با ناکامی فاحش در راستی‌آزمایی و پذیرش آگاهانه خطر، مبنای جدی مسئولیت کیفری است. رقم رسمی میناب، بر اساس اعلام دادستان شهرستان، ۱۵۶ کشته است. مفهوم «اسکولاستیساید» یا «دانش‌کشی» زبان تجمعی حمله به آموزش را بهتر نمایان می‌کند اما در وضع فعلی عنوان مجرمانه مستقل نیست و باید از رهگذر جرایم موجود به کار رود.

گفتار رئیس‌جمهور آمریکا درباره مرگ کامل و بازگشت‌ناپذیر تمدن ایران، در زمینه جنگ و فشار بر شرایط زیستی، واجد مبنای قوی برای توصیف به تحریک مستقیم و علنی به نسل‌زدایی است؛ جرم مستقلى که وقوع نسل‌زدایی شرط تحقق آن نیست. معیار مزبور باید همان گونه اعمال شود که در برابر گفتار مشابه رهبران روسیه، طالبان یا هر قدرت دیگری اعمال می‌شد. استمرار محاصره و حمله به برق، درمان، دارو، پالایشگاه و دیگر نیازهای حیاتی، نگرانی مستندی درباره تحمیل تدریجی شرایط زندگی نابودگر ایجاد می‌کند، هرچند احراز قطعی خودِ نسل‌زدایی نیازمند اثبات قصد خاص است. اقدامات امارات نیز به عنوان وقایع ثبت‌شده، باید بر اساس رابطه با مخاصمه و عناصر آزار بررسی شوند، نه با فرض تردید در اصل وقوع آن‌ها.

بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه رم از نظر حقوقی برای سه جرم سرزمینی ظرفیت واقعی ایجاد می‌کند، هرچند تحقیق را خودکار آغاز نمی‌کند و صلاحیت تجاوز را نمی‌گشاید. با وجود این امکان، در شرایط فعلی صدور اعلامیه راه، به دلایل راهبردی و با توجه به آثار دوطرفه و فقدان کنترل بر دامنه تحقیق، به مصلحت ایران نمی‌دانم. معماری پاسخگویی باید بر قانونگذاری داخلی، حفظ حرفه‌ای ادله، صلاحیت جهانی و تلاش برای یک سازکار ویژه تکیه کند. دقت حقوقی در این راهبرد به معنای خنثی‌سازی واقعیت تجاوز یا هم‌سنگ کردن مهاجم و قربانی نیست؛ وسیله تبدیل واقعیت‌های جنگ به اتهاماتی است که در محکمه قابل اثبات و اجرا باشند.

پرسش و پاسخ

پرسش: دربارهٔ تحریک و تهییج سران عربستان و امارات برای تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران، از منظر جنایت تجاوز چه تحلیلی دارید؟

پاسخ: در حقوق بین‌الملل کیفری، برخلاف نسل‌زدایی، «تحریک به تجاوز»، عنوان مجرمانهٔ مستقل ندارد. با این حال ممکن است رفتار مورد نظر، حسب اوضاع و احوال ذیل دستور، ترغیب یا واداشتن به ارتکاب جرم، معاونت و تسهیل، یا مشارکت آگاهانه در یک طرح مشترک بررسی شود. ماده ۲۵ اساسنامهٔ رم برای این شیوه‌های مسئولیت، شرایط مشخصی دارد و دربارهٔ جنایت تجاوز، بند ۳ مکرر همان ماده، یک محدودیت مهم اضافه می‌کند: مسئولیت فقط متوجه اشخاصی است که در موقعیتی قرار دارند که بتوانند عملاً رفتار سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت کنند.^{۳۹}

بنابراین صرف اظهارنظر سیاسی، حمایت لفظی یا استقبال از حمله برای انتساب جنایت تجاوز کافی نیست. باید ثابت شود که مقام مورد نظر در سطح رهبری قرار داشته، رفتار او واقعاً در تصمیم یا اجرای تجاوز نقش مؤثر و قابل انتساب داشته و با علم به ماهیت تجاوز کارانه عملیات اقدام کرده است. اگر ترغیب یا دراختیار گذاشتن پایگاه، فضای هوایی، اطلاعات، تأمین مالی یا پشتیبانی تدارکاتی همراه باشد، مبنای تحلیل کیفری قوی‌تر می‌شود. البته حتی در صورت احراز عناصر ماهوی، محدودیت‌های صلاحیتی دیوان دربارهٔ جنایت تجاوز مرتبط با دولت‌های غیرعضو همچنان باقی است.

پرسش: تشکیل دادگاه ویژه، مشابه سازکاری که دربارهٔ اوکراین ایجاد شده، تا چه اندازه می‌تواند برای جنگ رمضان راهکاری عملی باشد؟ آیا چنین دادگاهی ممکن است اثر بومرنگی نیز داشته باشد؟

پاسخ: از نظر حقوقی، ایجاد دادگاه ویژه برای جنایت تجاوز علیه ایران ناممکن نیست. الگوهای مختلفی وجود دارد: معاهده میان ایران و یک سازمان بین‌المللی، توافق میان چند دولت، یا دادگاهی بین‌المللی شده که بر صلاحیت سرزمینی ایران تکیه کند. دادگاه ویژه تجاوز علیه اوکراین نیز بر پایهٔ توافق اوکراین و شورای اروپا و در چارچوب نهادی آن سازمان طراحی شده است. این تجربه نشان می‌دهد که می‌توان خلأ صلاحیتی دیوان کیفری بین‌المللی را با طراحی نهادی دیگری پاسخ داد.^{۴۰}

3 . *Rome Statute*, supra, art. 25(3)(b)-(d) and art. 25(3 bis). In respect of aggression, the modes of or individual criminal responsibility apply only to persons in a position effectively to exercise control over direct the political or military action of a State.

4 . Council of Europe, "Special Tribunal for the Crime of Aggression against Ukraine: Frequently Asked Questions," updated 15 May 2026, especially the sections on establishment, political support, immunities

اما نباید امکان حقوقی را با امکان عملی یکی دانست. تجربه اوکراین بر حمایت سیاسی و مالی گسترده، همکاری ده‌ها دولت، دسترسی به سازکارهای حفظ ادله و توافق‌های اجرایی استوار است. برای ایران نیز باید روشن باشد کدام دولت‌ها یا سازمان‌ها حاضرند در تأسیس، تأمین مالی، دستگیری متهمان، انتقال ادله و اجرای احکام همکاری کنند. نمی‌توان حضور متهم را در همه‌الگوها شرط مطلق آغاز رسیدگی دانست؛ برخی اساسنامه‌ها با تضمین‌های دادرسی منصفانه، رسیدگی غیابی را می‌پذیرند. با این حال، دسترسی فیزیکی به متهم برای اجرای واقعی مجازات و اثربخشی نهایی دادگاه بسیار مهم است. مصونیت مقامات عالی‌رتبه در حال خدمت نیز مسئله‌ای جدی است. اثر بومرنگی به طراحی اساسنامه بستگی دارد. اگر صلاحیت دادگاه، «وضعیت‌محور» و نسبت به همه اشخاص مشمول، یکسان باشد، ممکن است رفتار بازیگران مختلف را بررسی کند؛ اگر فقط بر جنایت تجاوز و تصمیم آغاز جنگ متمرکز باشد، دامنه آن محدودتر است. در هر حال، اراده سیاسی، مشروعیت بین‌المللی، استقلال قضایی و سازکار اجرای احکام تعیین می‌کند که این ایده از سطح نمادین فراتر برود.

پرسش: معایب احتمالی پذیرش موردی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ: ایران از نظر حقوقی می‌تواند طبق بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه رم، صلاحیت دیوان را نسبت به جنایات واقع‌شده در قلمرو خود بپذیرد اما این اعلامیه به‌تنهایی تحقیق را آغاز نمی‌کند و ایران را نیز به دولت عضو برخوردار از حق ارجاع موضوع طبق ماده ۱۴ تبدیل نمی‌سازد. پس از گشوده‌شدن شرط صلاحیتی، اقدام دادستان طبق ماده ۱۵ یا یکی دیگر از مجاری ماده ۱۳ لازم است. اعلامیه نیز نمی‌تواند دیوان را فقط به بررسی اتباع آمریکا و اسرائیل محدود کند؛ دیوان وضعیت را بررسی می‌کند و ممکن است رفتار همه اشخاص مرتبط، در حدود صلاحیت موضوعی، زمانی و سرزمینی اعلامیه، موضوع تحقیق قرار گیرد.^{۴۱}

این اثر دوطرفه برای ایران مخاطره عملی ایجاد می‌کند. رفتار نیروها و مقامات ایرانی نیز ممکن است موضوع ادعا، اطلاعات ارسالی و بررسی دادستان قرار گیرد؛ هرچند هر بازداشت، محاکمه یا اقدام داخلی صرفاً با ورود دیوان جرم بین‌المللی نمی‌شود و باید عناصر نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی جداگانه احراز شود. از سوی دیگر، اعلامیه بند ۳ ماده ۱۲ راه رسیدگی دیوان به جنایت تجاوز آمریکا و اسرائیل را نمی‌گشاید؛ ماده ۱۵ مکرر(۵) دربارهٔ اتباع و قلمرو دولت‌های غیرعضو، مانع مهمی ایجاد می‌کند.

custody and proceedings in absentia, <https://www.coe.int/en/web/special-tribunal-ukraine/frequently-asked-questions> (accessed 28 July 2026).

41. *Rome Statute*, supra, arts. 12(3), 11B, 14, 15 and 15 bis(5); ICC, Office of the Prosecutor, *Policy Paper on Preliminary Examinations* (2013), para. 76; ICC, "Situation in Ukraine"; *Prosecutor v. Laurent Gbagbo* (ICC), supra, paras. 59-60.

بنابراین میان «امکان حقوقی» و «مصلحت راهبردی» باید تمایز گذاشت. با توجه به آثار دوطرفه، فقدان کنترل ایران بر دامنه و جهت تحقیق، محدودیت صلاحیت دیوان نسبت به تجاوز، و تجربه فشار و گزینش سیاسی در عدالت کیفری بین‌المللی، در شرایط فعلی صدور این اعلامیه را به مصلحت ایران نمی‌دانم و توصیه نمی‌کنم. اولویت باید بر تحقیق داخلی معتبر، تصویب قانون جامع جنایات بین‌المللی، حفظ حرفه‌ای ادله و فعال‌سازی صلاحیت جهانی باشد.

پرسش: درباره اقدامات امارات علیه اتباع ایرانی، چگونه اخراج اتباع یا محدودیت‌های اعمال شده می‌تواند وصف جنایت جنگی پیدا کند؟

پاسخ: نخست باید روشن کنیم که وقوع جرم در زمان جنگ به‌تنهایی آن را به جنایت جنگی تبدیل نمی‌کند. لازم است میان رفتار و مخاصمه مسلحانه پیوند نزدیک وجود داشته باشد؛ به این معنا که مخاصمه در تصمیم مرتکب، شیوه اجرا یا هدف رفتار نقش اساسی داشته باشد. با این حال، احراز این پیوند نیز به‌تنهایی کافی نیست. باید رفتار مشخصی که حقوق مخاصمات آن را ممنوع کرده است، برای مثال، رفتار غیرقانونی با اشخاص مورد حمایت، اخلال عمدی در حمایت از بیماران و واحدهای درمانی، یا محرومیت شدید و ناموجه و نیز رکن روانی لازم احراز شود.^{۴۲}

پرونده حمید نوری، فارغ از ارزیابی سیاسی آن، از این جهت مثال روشنی است که دادگاه استکهلم رفتار علیه هواداران منافقین در زندان رجائی‌شهر را به دلیل پیوندی که به ادعای آن‌ها با مخاصمه مسلحانه بین‌المللی ایران و عراق احراز کرد، در قلمرو نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه بررسی نمود؛ در مقابل، رفتار علیه زندانیان چپ‌گرا که آن پیوند درباره‌شان احراز نشد، در قالب قتل ارزیابی شد. این پرونده و پرونده‌هایی که نزد دادگاه یوگسلاوی و رواندا بررسی شد نشان می‌دهد «پیوند با مخاصمه» چگونه می‌تواند وصف حقوقی رفتار را تغییر دهد؛ اما نمی‌توان از آن نتیجه گرفت که هر اخراج اداری در زمان جنگ خودبه‌خود جنایت جنگی است.

در مورد امارات، باید ابتدا وضعیت آن دولت نسبت به مخاصمه، علت و زمان اقدامات، دستورهای صادرشده و ارتباط آن‌ها با همکاری نظامی بررسی شود. تعطیلی اجباری بیمارستان هلال احمر، انتقال بیماران بدحال، اخراج یا محدودکردن کارکنان و مسدودسازی امکانات درمانی، با توجه به حمایت ویژه از مجروحان، بیماران و خدمات پزشکی، جدی‌ترین بخش این بررسی است. اگر پیوند و عناصر یک جنایت جنگی احراز نشود، باز هم ممکن است مجموعه اخراج‌ها، محرومیت‌ها و تعرض‌ها ذیل آزار به‌عنوان جنایت علیه بشریت بررسی شود؛ اما آن عنوان نیز خودکار نیست و مستلزم وجود حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی، سیاست یا سازمان‌یافتگی لازم، محرومیت

4 . *Prosecutor v. Duško Tadić* (ICTY) 2supra, paras. 251-255; *Rome Statute*, supra, arts. 7 and 8; Stockholm District Court, "Iranian Citizen Sentenced to Life in Prison for Executions of Political Prisoners in Iran in Case B 15255-19, 14 July 2022, <https://www.domstol.se/nyheter/2022/07/iranian-citizen-sentenced-to-life-in-prison-for-executions-of-political-prisoners-in-iran-in-1988> (accessed 28 July 2026).

شدید از حقوق بنیادین، انگیزه تبعیض‌آمیز و علم مرتکبان است.

پرسش: با توجه به ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۴۸، رابطه «شروع به نسل‌زدایی» با «تحریک مستقیم و علنی به نسل‌زدایی» چیست؟ آیا می‌توان این دو را در یک سطح تحلیل کرد؟

پاسخ: این دو عنوان باید از هم جدا بمانند. هر دو از جرایم ناتمام‌اند اما عناصر متفاوتی دارند. شروع به نسل‌زدایی مستلزم قصد خاص نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی و رفتاری است که از مرحله تهیه مقدمات عبور کرده و اجرای جرم را با یک گام اساسی آغاز کرده باشد؛ جرم فقط به علتی مستقل از اراده مرتکب کامل نشده است. در مقابل، تحریک مستقیم و علنی به نسل‌زدایی با بیان یا انتشار مستقیم و علنی پیام، همراه با قصد تحریک دیگران و قصد خاص نسل‌زدایانه کامل می‌شود و لازم نیست نسل‌زدایی واقعاً رخ دهد یا ثابت شود گفتار سبب ارتکاب آن شده است.^{۴۳}

بنابراین از نظر اثباتی، تحریک در یک جهت محدودتر و در جهت دیگر مستقل‌تر است: نیازی به اثبات آغاز اجرای یکی از اعمال نسل‌زدایانه یا وقوع نتیجه ندارد، اما باید مستقیم‌بودن، علنی‌بودن و قصد خاص نسل‌زدایانه با دقت احراز شود. در وضعیت مورد بحث، درباره تحقق خودِ نسل‌زدایی یا شروع به آن باید با احتیاط بیشتری سخن گفت زیرا اثبات قصد نابودی گروه و گام اجرایی معطوف به آن دشوار است. در مقابل، دربارهٔ پیام علنی رئیس‌جمهور آمریکا، با توجه به زبان نابودگرانه، مخاطبان نامحدود، جایگاه گوینده، زمینهٔ جنگ و هم‌زمانی با محاصره و حمله به زیرساخت‌های حیاتی، مبنای قوی‌تری برای بررسی جرم مستقل تحریک مستقیم و علنی به نسل‌زدایی وجود دارد.

4. *Genocide Convention*, supra, art. I B(c) and (d); *Rome Statute*, supra, art. 25(3)(e) and (f); *Prosecutor v Ferdinand Nahimana et al.* (ICTR), supra, paras. 677-679, 692-711 and 720-723; ICTR/ICTY/IRMCT", Case Law Database, "Direct and Public Incitement to Commit Genocide <https://cld.irmct.org/notions/show/265/direct-and-public-incitement-to-commit-genocide> (accessed 28 July 2026).